

## دو رساله نویافته درباره چگونگی احکام عزاداری سیدالشهداء (ع)

به کوشش رسول جعفریان

زمانی که مرحوم علامه سید محسن امین، عالم شامی و امامی برجسته، رساله‌التنزیه را در انتقاد از برخی سوگواری‌ها و اموری مانند قمه زنی نوشت، موجی از مخالفت‌ها و موافقت‌ها در عراق برانگیخته شد. موج مزبور که میان علمای نجف، پس از ماجرای مشروطه و مستبده بی‌سابقه بود، سبب نگارش رساله‌های فراوانی در این زمینه شد؛ رساله‌هایی که غالباً ضد مرحوم سید محسن و برخی به دفاع از او نوشته شد. این موج سرآغاز جریانی بود که مسئله قمه زنی و زنجیر زنی و برخی دیگر از صورت‌های سوگواری را در جامعه شیعه مطرح کرد و سبب شد تا از علما خواسته شود تا در این باره فتاوی خود را صادر کنند. این موج در ایران چندان گسترش نیافت، هرچند جلال آل احمد همان زمان که سال‌های پس از شهریور بیست بود، رساله‌التنزیه را به فارسی درآورد که بلافاصله و به طرز مشکوکی خریداری و از بازار جمع‌آوری شد. ماجرای نگارش التنزیه و رسائل مربوطه، دست کم دوبار از طرف برخی از شرق شناسان مورد تامل قرار گرفته است. یک بار توسط ورنر انده و دیگری توسط صابرینا مرون که اثر این دومی با عنوان «مبارزه علمای اصلاح طلب لبنان با تحریفات عاشورا» توسط دکتر فرشتیان به فارسی ترجمه و منتشر شده است. مقاله ورنر انده را هم سال‌ها پیش جعفر جعفریان ترجمه کرد که اخیراً دوباره آن را در بخش مقالات سایت کتابخانه مجلس گذاشتم.

اکنون کار بزرگی صورت گرفته است و آن این است که تمامی آن رسائل رد و ایراد و نقد و جواب که در حاشیه کتاب‌التنزیه لاعمال الشیبیه نوشته شده بود، در سه مجلد یک جا منتشر شده و کار همه را برای بررسی مبانی این مسئله آسان کرده است.

دو رساله نویافته درباره چگونگی احکام عزاداری سیدالشهداء(ع)/ رسول جعفریان

کتاب رسائل الشعائر الحسينيه شامل سه مجلد و حاوی رسائل مزبور شیخ محمد حسون فراهم آمده و مجموعه‌ای ارزشمند به شمار می‌آید. در این مجموعه سه جلدی، بیست رساله درج شده است که نخستین آنها مقدمه خود آقای حسون در باره این موضوع است. برخی دیگر در باره این موضوع اما پیش از نگارش کتاب مرحوم امین، اما غالباً رساله‌هایی است که پس از آن نوشته شده است.

مروری بر این رسائل می‌کنیم:

وقفه مع رسالة التنزیه و آثارها فی المجتمع / شیخ محمد الحسنون

جريدة الاوقات العراقية، ۱۶۶۱ محرم ۱۳۴۵ق

صولة الحق علی جولة الباطل / سید محمد مهدی موسوی قزوینی بصری (م ۱۳۵۸ق)

المواكب الحسينيه، شیخ عبدالله مامقانی (م ۱۳۵۱ق)

نظرة دامعة حول مظاهرات عاشوراء / شیخ مرتضی آل یاسین (م ۱۳۹۸ق)

کلمة حول التذکار الحسينی / شیخ محمد جواد الحجامی (م ۱۳۷۶ق)

نصرة المظلوم / شیخ حسن ابن الشیخ عبدالمهدی المظفر (م ۱۳۸۸ق)

الایات البينات فی قمع البدع و الضلالات «المواكب الحسينيه» / شیخ محمد حسین کاشف الغطاء

(م ۱۳۷۳ق)

قطعه من کتاب الفردوس الاعلی / شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (م ۱۳۷۳ق)

سیماء الصلحاء / شیخ عبدالحسین صادق العاملی (م ۱۳۶۱ق)

التنزیه لاعمال الشبیه / السید محسن الامین العاملی (م ۱۳۷۱ق)

رنة الاسی: نظرة فی رسالة التنزیه لاعمال الشبیه / شیخ عبدالله السبیتی العاملی (م ۱۳۹۷ق)

کلمات جامعة حول المظاهر العزائیه / شیخ محمد علی الغروی الارذوبادی النجفی (م ۱۳۸۱ق)

الشعار الحسينی / شیخ محمد حسین المظفر (م ۱۳۸۱)

النقدالنزیه لرسالة التنزیه / الشیخ عبدالحسین قاسم الحلی (م ۱۳۷۵)

کشف التمویه عن رسالة التنزیه / شیخ محمد گنجی (م ح ۱۳۶۰ق)

اقامة العائر فی اقامة الشعائر / سید علی نقی اللکهنوی (م ۱۴۰۸ق)

قطعة من کتاب ارشاد الامة للتمسک بالائمة / شیخ عبدالمهدی المظفر (م ۱۳۶۳ق)

رسالة فی الشعائر الحسينية / سید محمد هادی البجستانی الحائری (م ۱۳۶۸ق)

ثورة التنزیه / محمد القاسم الحسينی النجفی.

همان‌طور که از عناوین نخست پیداست، این ماجرا اندکی به پیش از زمان سید محسن برگشته و

ردیه‌های اولیه مربوط به آن مسائل است.

دو رساله فارسی در این باره

آنچه تصاویر صفحات آن را در اینجا ملاحظه می کنید، دو رساله در همین موضوع است که به دلیل آن که فارسی بوده در مجموعه فوق درج نشده و و ما عینا تصاویر آنها را درج می کنیم. در این باره مدیون جناب آقای هاشمیان هستیم که این دو رساله را در اختیار ما گذاشت.

**الف: الحسین و الاسلام:** این اثر تألیف حاج سید عبدالحی طباطبائی نجفی یزدی است که در سال ۱۳۷۴ ق در مطبعه علمیه نجف به چاپ رسیده است. وی در این رساله، اشاره خاصی به کتاب مرحوم سید محسن ندارد و به طور کلی روی عزاداری سید الشهداء (ع) تأکید ورزیده و پس از نگارش چند صفحه، همان گونه که ملاحظه می فرمایید، فتاوی علما را در باره عزاداری آورده است. طبیعی است که دیدگاه‌های علما در این باره مختلف است و درج اینها به معنای موافقت یا عدم موافقت نیست.

**ب: رساله دوم** شامل پرسشی است که از آیت الله آقا سید محمد شریف شیرازی شده و موضوع آن امر شبیه در ایران است. **سؤال** این است: چه می فرمایید در شبیه که در ایران شایع و متداول است. مقلدین حضرت آیت الله مستدعی حکم قطعی هستند که جواب مرحمت فرمایید.

پاسخ ارائه شده در این رساله بسیار تند و از روی انکار نسبت به برخی از اعمال و رفتارهایی است که در کار شبیه اجرا می شده است. از جمله آمده است: ... عباداتی از روی ذوق و سلیقه و مستحسنان عقلیه جعل نموده‌اند بسیاری از منکرات شرعیه را معروف و بسیاری از معروفات دینیّه اسلامیّه را منکر قرار داده اند. از جمله بدع حادثه، این شبیه است که تعبیه است و تعبیه به معنی اختراع است در زمان سابق قبل از صفویه نبود. سلاطین صفویه این کیفیت مخصوصه را رواج دادند تا مردم رقت در گریستن بنمایند. اگرچه بعضی از علما توقف فرموده‌اند. نظر به آنکه راجع به عزای حضرت سید الشهداء - علیه السلام - می باشد، جرأت آنکه حکم به حرمت بدهند نداشته‌اند ولی حقیر فقیر که از ذراری آن بزرگوارم با کمال جرأت حکم به حرمت می دهم. من شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر. یقین دارم که جد بزرگوارم حسین - علیه السلام - و سایر اجداد طاهرین - علیهم السلام - خوشنودی به بیان من دارند. ( ص ۳ )

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

دو رساله نویافته درباره چگونگی احکام عزاداری سیدالشهداء(ع)/ رسول جعفریان

## الحسین (ع) والاسلام

از تألیفات حضرت مستطاب مروج الأحكام والدين  
نقمة الاسلام والمسلمين السيد الجليل السيد جليل نجل مرحوم المفقور  
حجة الاسلام والمسلمين مروج شربتم جسده اشرف المرسلين  
الحاج سيد عبد الحمي الطباطبائي النجفي البزدي طاب نواه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

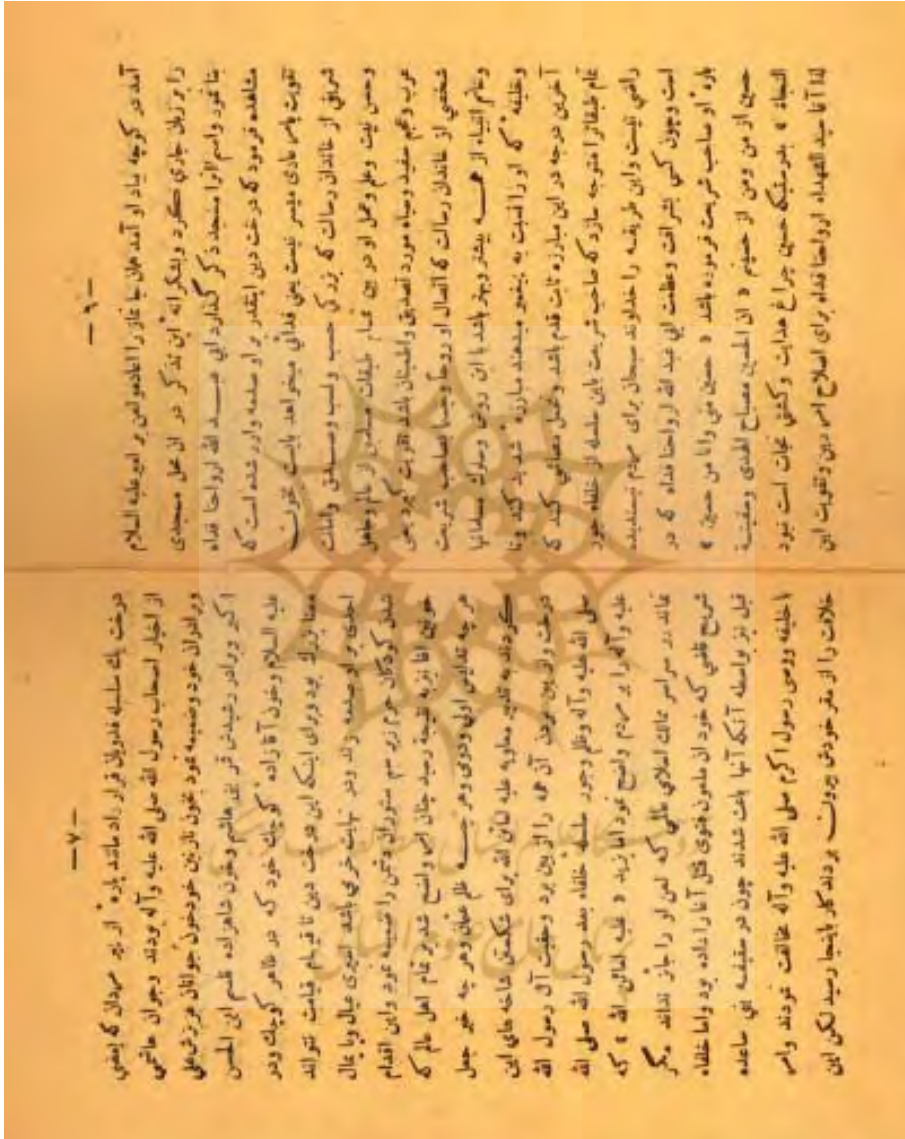
المطبعة العلمية في النجف

۱۳۷۴ هـ



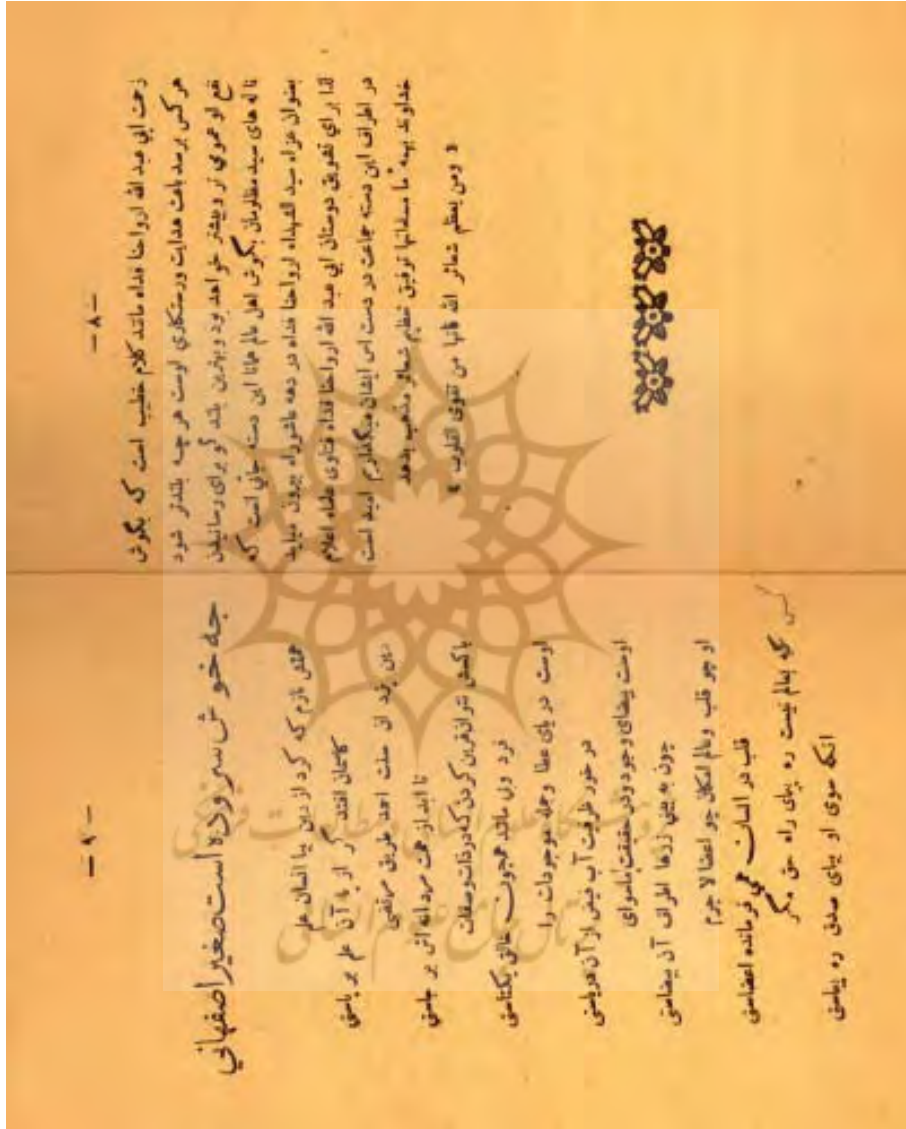




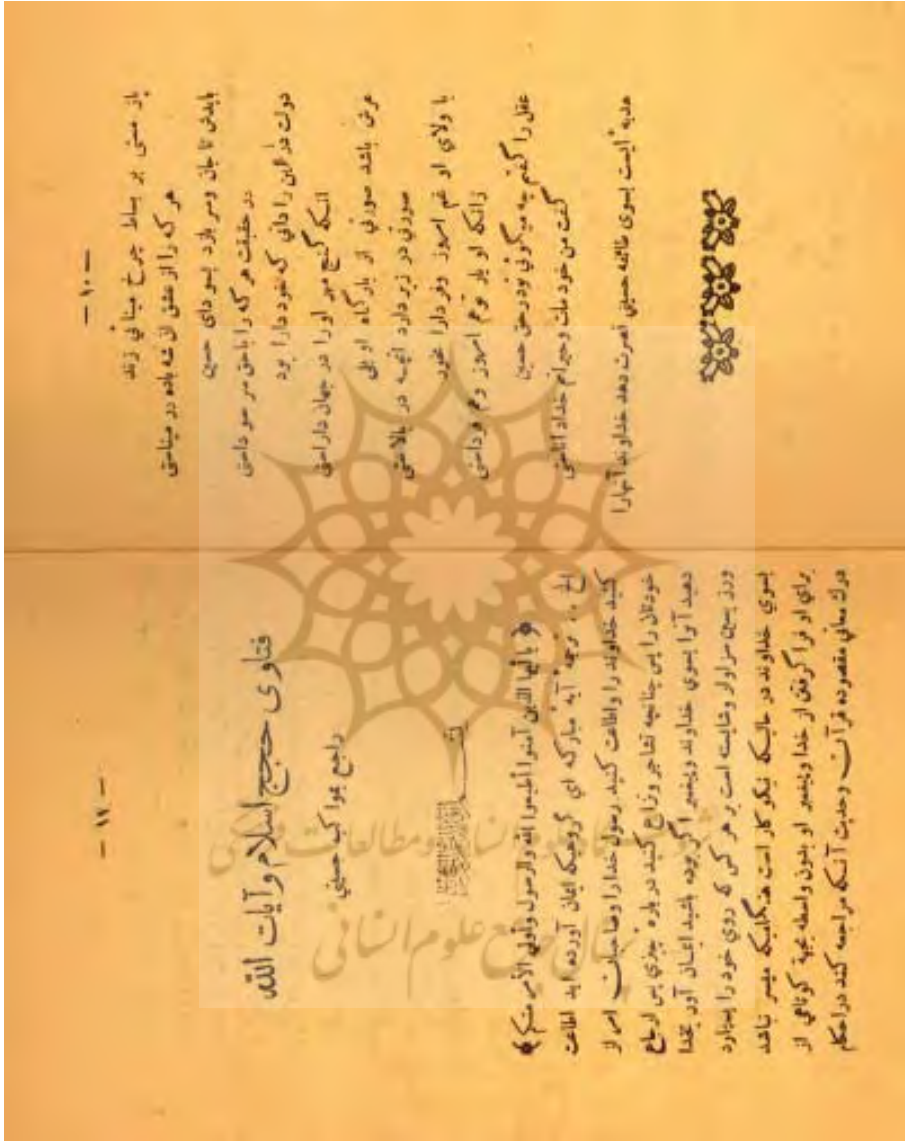


خواست يك سلسله فتوای قرار داد مانند پاره از بذر مهرداد که بعضی از اخبار اصحاب رسول الله صلی الله علیه وآله بودند و جوان حاشی ویران آن خود و ضمیمه نمود بخون نازنین خود بخون جوانان عزیزش علی اکبر و برادر رشیدش قمر بنی هاشم و خون شاهراده طسم این الحسن علیه السلام و خون آقا زاده که چاک خود که در عالم کوچک و در معنا بزرگ بود و برای اینکه این هر دوخت دین تا قیام قیامت نتواند اجتناب بر او صدمه زند و در نهایت خرابی باشد تیری خیال و یا چال شمشیر کوهکان حرم زهر سم ستوران و تخم را تشبیه نمود و این اقدام خویش انا بزه تقیبه رسیده چنان ای و نسج شد بر تمام اهل عالم که هر چه عدالتی اولی و دومی و هر چه ظلم میان و عمر چه خیر جعل مکتوبه به تلبیه معاویه علیه السلام برای شکستن شانه خالی این هر دوخت و زنی بن بوف آن عم را از بین برد و عقبت آل رسول الله صلی الله علیه وآله و ظلم و جور سلسله خلفاء بعد رسول الله صلی الله علیه وآله را بر مردم واضح نمود انا زید و علی همان الله و که نماد بر سراسر عالم اسلامی مالی که لمن او را باز نداند مگر شرح ظلمی که خود آن ملعون خوبی قتل آقا را داده بود و اما خلفاء قبل نیز بواسطه آنکه آنها باعث شدند چون در سقیفه بنی ساعده اخلیفه دوم رسول اکرم صلی الله علیه وآله خلافت نمودند و امر خلافت را از مقر خویش بیرون بردند کار اینها رسید لکن این

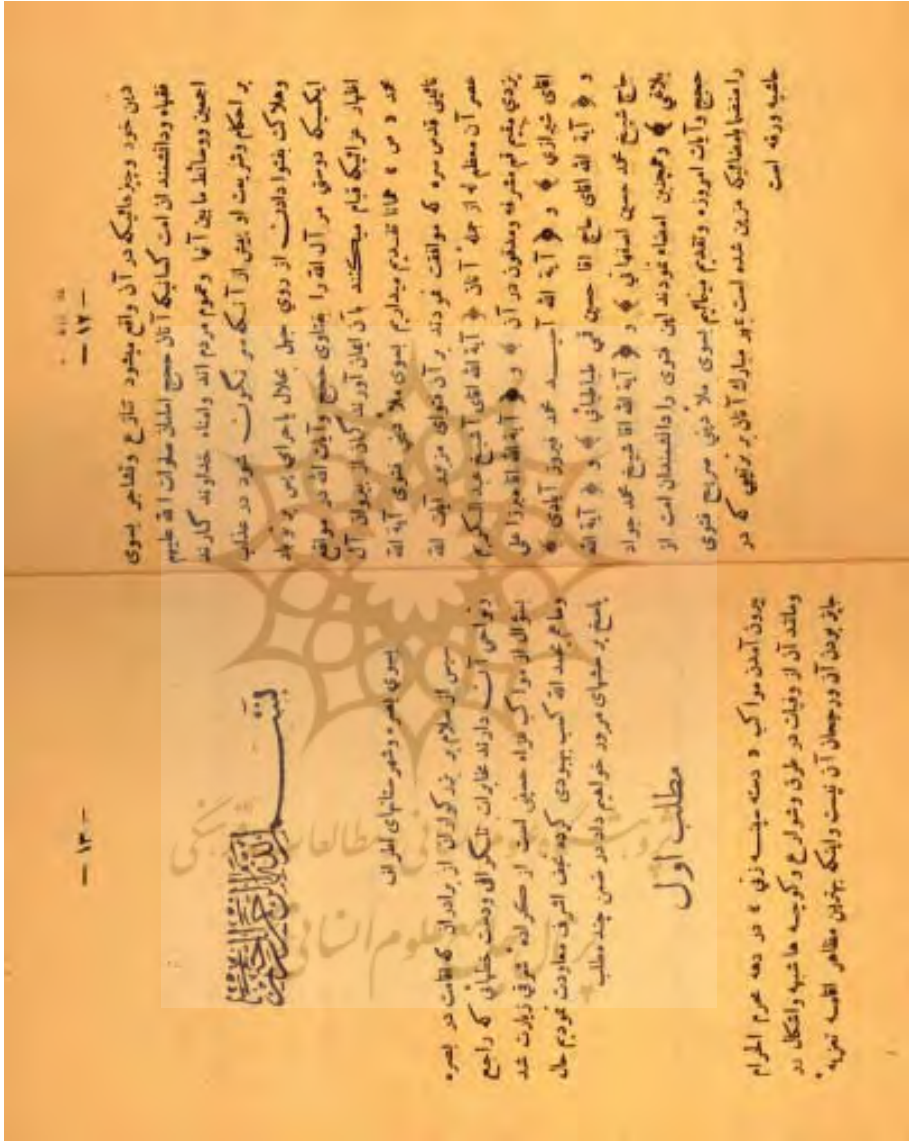
آمد هر کویچه یاد او آمد جان با غار را انصاف لمن بر این علیه السلام را بر زبان جاری مکتوبه و بشکرانه این تذکر در آن محل مسجدی بنا نمود و اسم آنرا مسجد ذکر گذارد و این مسجد الله ارواحنا فداء مشاهد فرمود که درخت دین اینقدر بر او صدمه وارد شده است که تقویت پسر هادی میسر نیست یعنی فدائی میخواند باید تقویت شرفی از غاندان رسالت که بزرگی حسب و نسب و مستحق و انانیت و حسن نیت و علم و عمل او در بین تمام طبقات مسلمین از عالم و جاهل عرب و عجم سفید و سیاه مورد تصدیق و اطمینان باشد تقویت گردد پس شخصی از غاندان رسالت که اتصال او دروغاً و حیساناً بصاحب شریعت و عالم انبیاء از همه بیشتر و بهتر باشد با آن روشی و سوادک مسلمانها و خلیفه که او را نسبت به بیشتر میدهند باز دره شدید کند و بنا آخرین درجه در این مبارزه ثابت قدم باشد و تحمل مصائبی کند که تمام طبقات را متوجه سازد که صاحب شریعت باین سلسله از خلفاء جور را نمی نیست و این طریق را خدوند سبحان برای مهمم تبسیدند است و چون کسی بشرافت و عظمت این سید الله ارواحنا فداء که در پاره او صاحب شریعت فرموده باشد و حسن منی و انا من حسن و حسن از من و من از حسین و ان الحسن مصباح الهدی و منیة السیاد و بفرستگ حسن چراغ هدایت و کشفی نجات است نبود لذا آنا سید القهود ارواحنا فداء برای اصلاح اسم دین و تقویت این

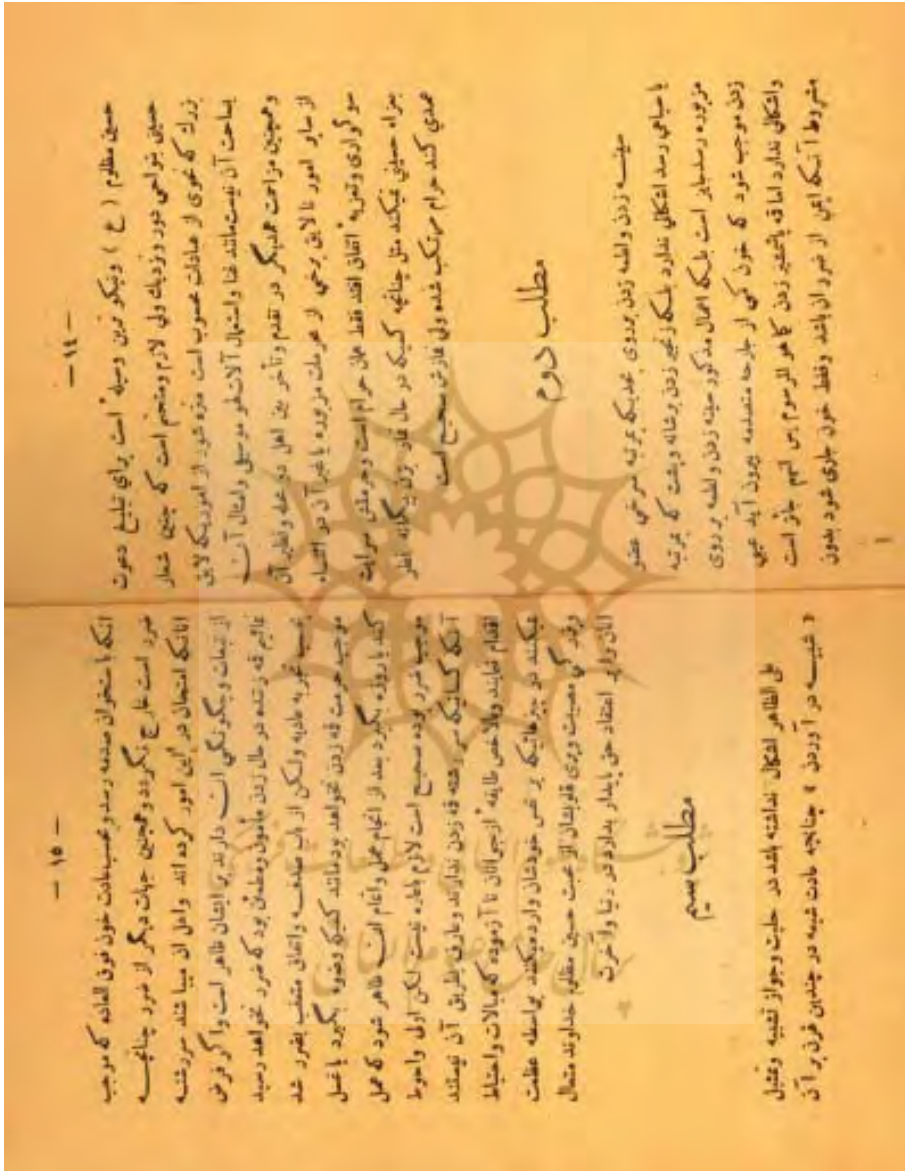






پیام بهارستان / ۲۵، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰





حسین معظم (ع) و نیکوترین وسیله است برای تبلیغ دعوت  
 حسین یزاعلی شود و نزدیک ولی لازم و مستحب است که چنین شعار  
 بزرگ که دعوی از عبادت محسوب است، مژه شود. از موردیکه لایق  
 بساحت آن نیست مانند نما و استسبال آلائم و دستبسی و ریشال آنست  
 و همچنین مواضع عملی که در تقدم و تأخر بین اهل دو عدل و نظیر آن  
 از سایر امور بالاین برحمتی از حرمت مزوره یا غیر آن منحصراً  
 سوگواری و تشریح اتفاق افتد فقط مانع حرام است و هر مثل سواست  
 برآه حسینی نیکند مثل چانه که در حال غایب و زنی یکباره اهل  
 عهدی کند حرام سرتکب شده ولی فایز صبح است

مطلب دوم

عینه زدن و لیس زدن بروی جعبه که بر تپه سرخ می  
 یا صبا می رسد اشکالی ندارد بلکه زنجیر زدن بر شاه و پشت که بر تپه  
 مزوره و رسد سایر است بلکه اعمال مذکور سینه زدن و لیس بروی  
 زدن موجب شود که شون کسی از جرحه منضمه بیرون آید عیبی  
 و اشکالی ندارد اما قه پشمی زدن کاملاً موسوم بر اسم باز است  
 مشروط آنکه ایمن از شورو آن باشد و فقط خون جاری شود بدون

آنکه با سخنران صدقه رسد و محسوبات خون فوق العاده که موجب  
 ضرر است خارج نگردد و همچنین جهات دیگر از ضرر چنانچه  
 آنکه استعمال در این امور کرده اند و اهل آن میباشند سرزنش  
 از تسمات و نیکوترین است دارد بر اخصان ظاهر است و اگر فرض  
 عالمی که زنده در حال زدن مأمول و مطمئن بود که ضرر نخواهد رسید  
 بحسب تجربه مایه و لکن از آب صدف و احتیاط مشرب بهتر شد  
 موجب حرمت بود زدن نخواهد بود مانند کبک و وضوء که بعد با غسل  
 کند یا رویه بگیرد بعد از انجام عمل و تمام است ظاهر شود که عمل  
 موجب ضرر بود. مسیح است لازم مایه نیست لکن اولی و اصولی  
 آنکه کسانیکه سر رشته بود زدن نیازند و طریق بطریق آن نیستند  
 اقدام نمایند و لایحس مایه ازجمله آن تا آرموده که بالاتر احتیاط  
 میکند دو چیز هائیکه بر نفس خودشان وارد میکنند بواسطه عظمت  
 و قدرتی که مصیبت و زوی قلوبیان از عیب حسین معظم خداوند متعال  
 امان و ایمن اعتقاد حق پایدار بداند و در دنیا و آخرت

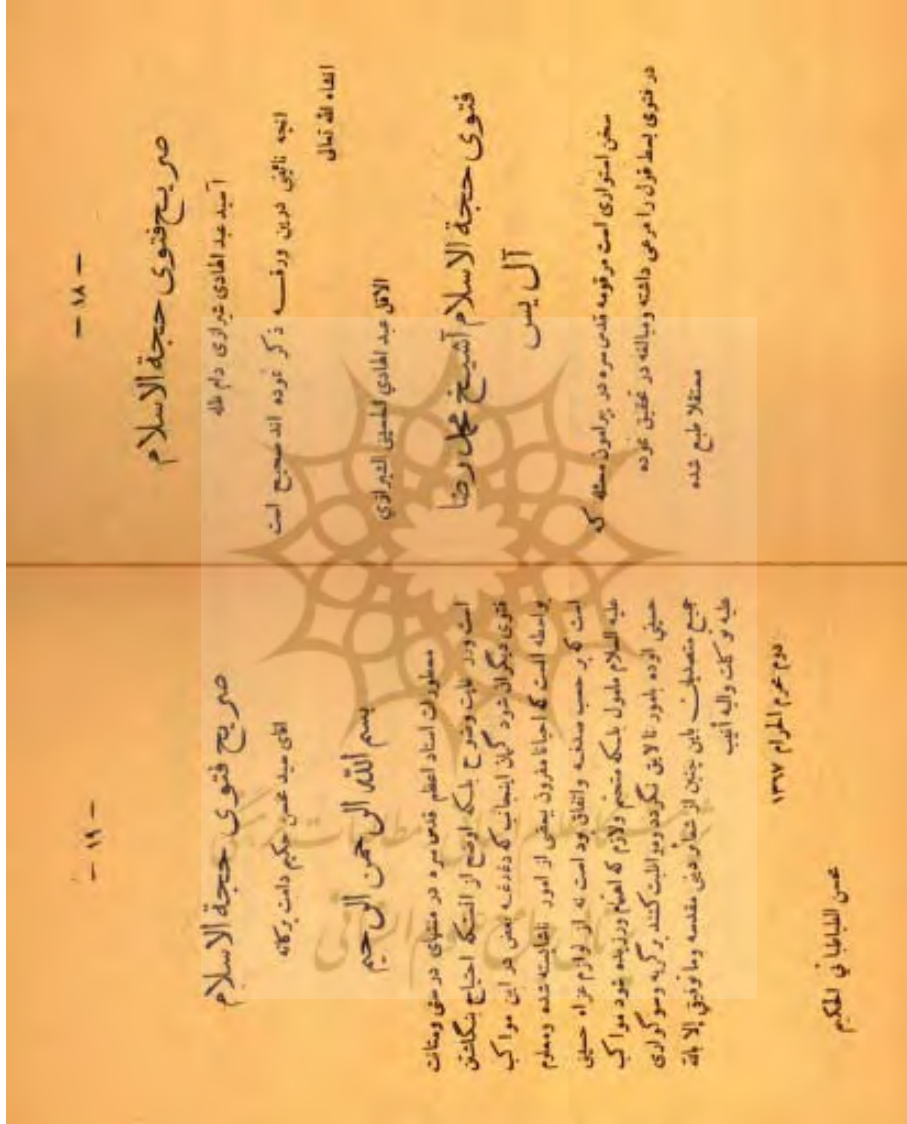
مطلب سیم

طی الظاهر اشکال نداشته باشد در حلبت و جواز تعبیه و تعبیل  
 و شیبه در آوردن و چنانچه حالت شیبه در چندین قرن بر آن





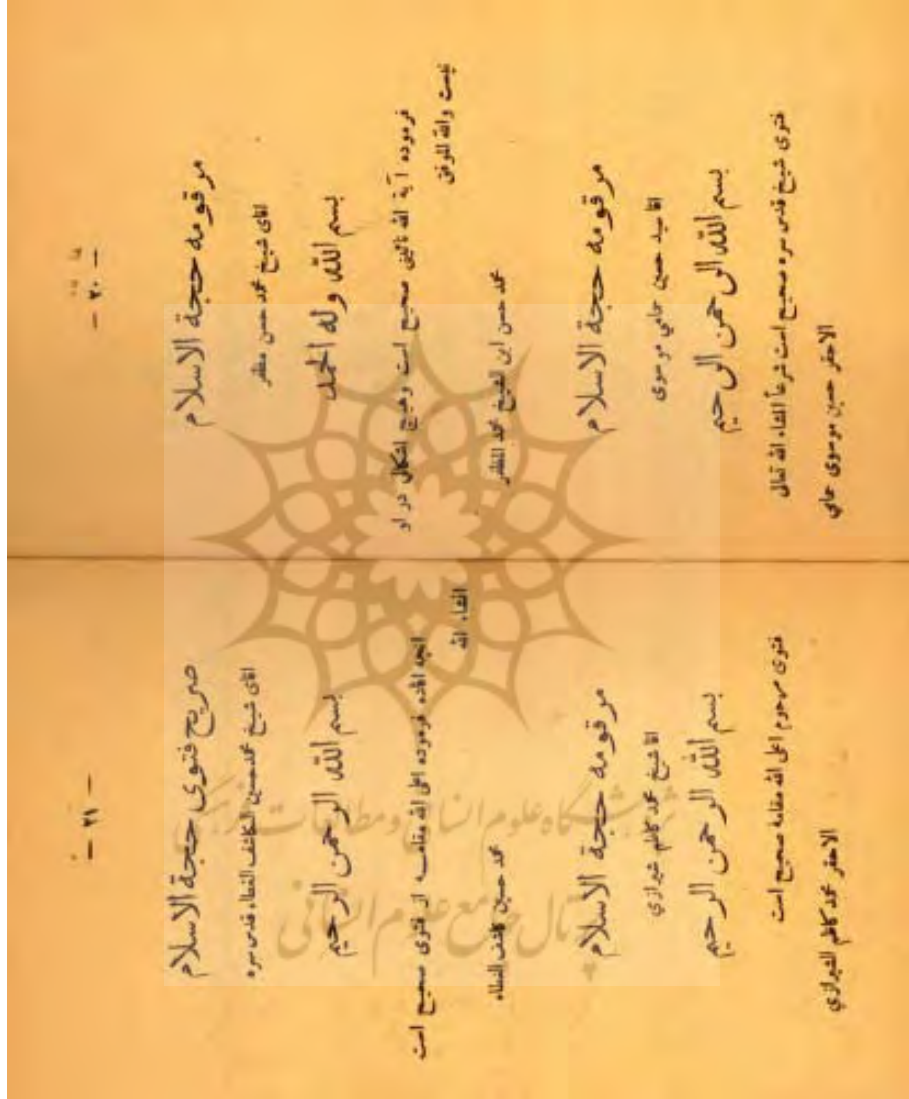
دو رساله نویافته درباره چگونگی احکام عزاداری سیدالشهداء(ع)/ رسول جعفریان



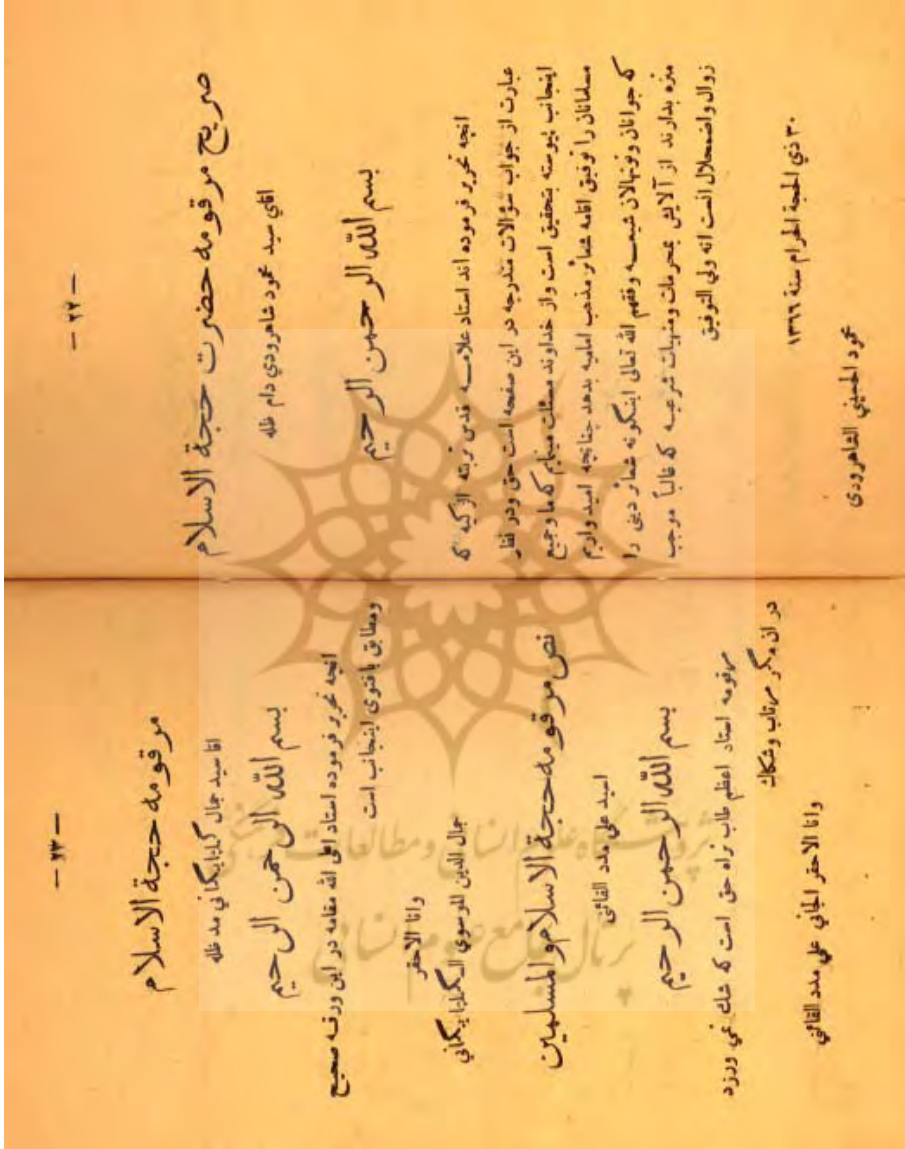
پیام بهارستان / ۲۵، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰



دو رساله نویافته درباره چگونگی احکام عزاداری سیدالشهداء(ع)/ رسول جعفریان



پیام بهارستان / ۲۵، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰



مرقومه حجة الاسلام

اقا سید جمال گیلانی مد ظله

بسم الله الرحمن الرحيم

انچه تحریر فرموده استاد اعلی الله مقامه در این ورق صحیح

ومطابق بافتوی اینجاب است

وانا الاحقر

جمال الدین اللوسوی السکلبانی یکنانی

نص مرقومه حجة الاسلام والمسلمین

اسبغ علی مدد القافی

بسم الله الرحمن الرحيم

مرقومه استاد اعظم عالم نراه حق است که شک نمی ورزد

در آن مگر مرتاب وشکاک

وانا الاحقر الجانی علی مدد القافی

صریح مرقومه حضرت حجة الاسلام

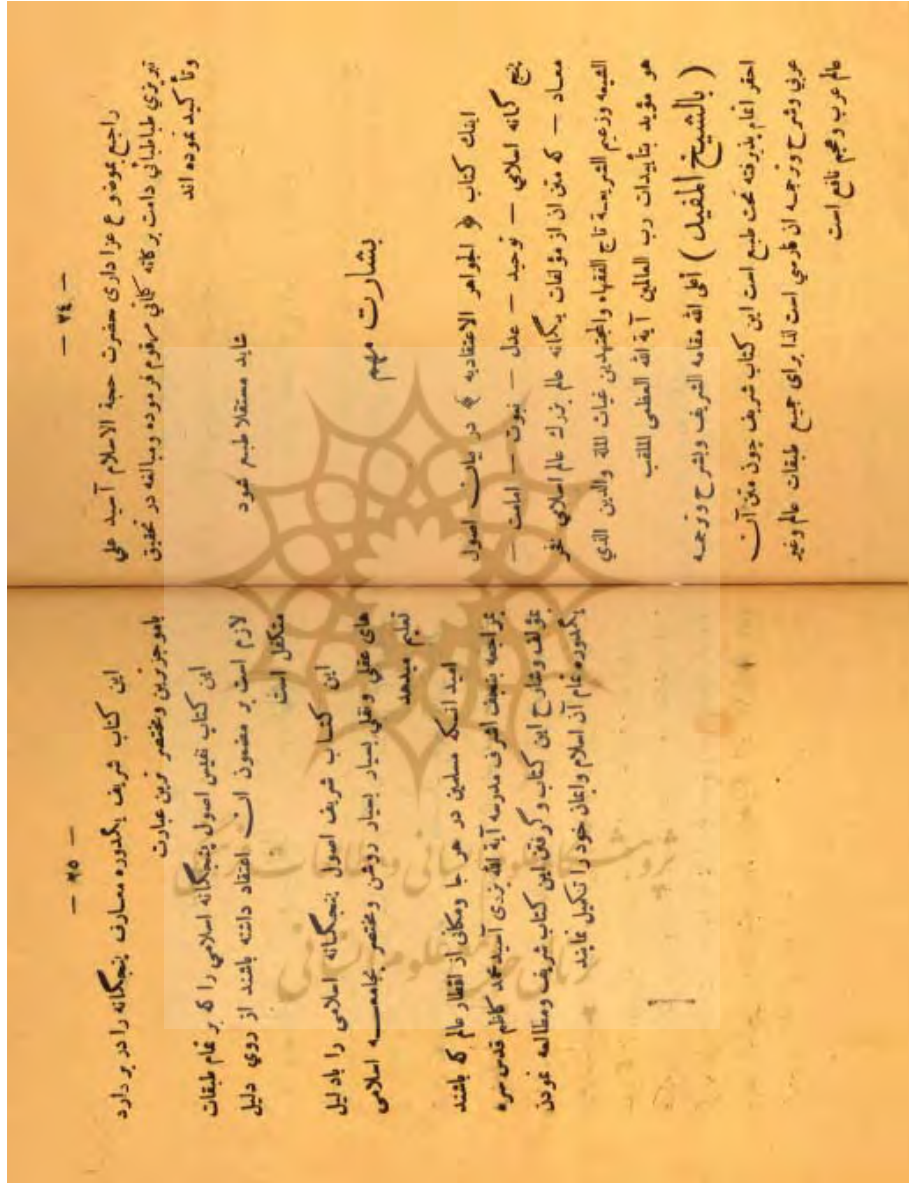
اقلی سید محمود شاهرودی دام ظلله

بسم الله الرحمن الرحيم

انچه تحریر فرموده اند استاد علامه قدس برته الزکی که عبارت از جواب سؤالات متدرجه در این صفحه است حق و در نظر اینجاب بیوسه بتحقیق است و از خداوند مطالت مینام که ما و جمیع مسلمانان را توفیق اقامه ضابطه مذهب اعلییه بدهد چنانچه امید داریم که جوایز آن و فواید آن شایسته و قفهم الله تعالی اینگونه ضابطه دینی را مقرر بدارند از آلائش بجز مرگ و منیبت شرعی که غالباً موجب زوال و اضمحلال است اتم ولی التوفیق

۳۰ ذی الحجة الحرام سنة ۱۳۶۶

محمود المبینی الشاهرودی



ما صاحب این قبر مطهر شاه  
 ولایت اعنی مولانا ومولی الكونین  
 امیر المؤمنین صلوات الله علیه را  
 شاهسود میکریم و بزور د کار کرم  
 نیز شاهد و ناظر است و کفی بالله شهیداً  
 اینکما هر چه بر ما بود کفتم و ما علی  
 الرسول الا البلاغ المبین

الاحقر جلیل بن الحاج سید عبد الحمی

العلیانی النجفی البزدی

تمام شد کتاب «الحسین والاسلام» تاریخ ۱۷ رمضان

۱۳۷۴ هجری و صلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین والصلوة

والسلامة علی اعدائهم اجمعین

تذیبه

مسلمانها  
 مسلمانها  
 مسلمانها

در امر تعلیم و تعلم معارف پنج گاه اسلامی م خودتان  
 اهمیت دهید م جهت تعلیم آن بافکسال خود هو شیاری  
 و بیبدار باشید اگر امروز در این امر مهم سعی غایب  
 و راجع با مرتبیت روحی افتقال خود و رسیدگی با امر اعتقادی انها  
 اعمال کنید و آنها در آن بعضی از تعلیمات از دین برگردند و باعث  
 شود که غلط در آفت سوزان جهنم شوند شما نیز فرمای قیامت دو  
 محکمه عدل حضرت سبحان سخت مشؤل خو اهدید بود بمقتضای آیه  
 کریمه و نکتب ما فتموا و آثارم که مینویسم چیزی را که چار  
 فرستادند یعنی اعمال شخصی انها و چیزهاییکه آثار انها است یعنی  
 مرتب بر اعمال انها شده است





ماظلام العالی

حضور زین العابدین علیه السلام را که در این خصوص  
معروف است چنانچه در حدیث آمده است که در این  
اهل شایع و مذکور است غلبه بر حضرت  
منتهی حکم و قطع کنند که جز این نیست

بسم الله الرحمن الرحیم

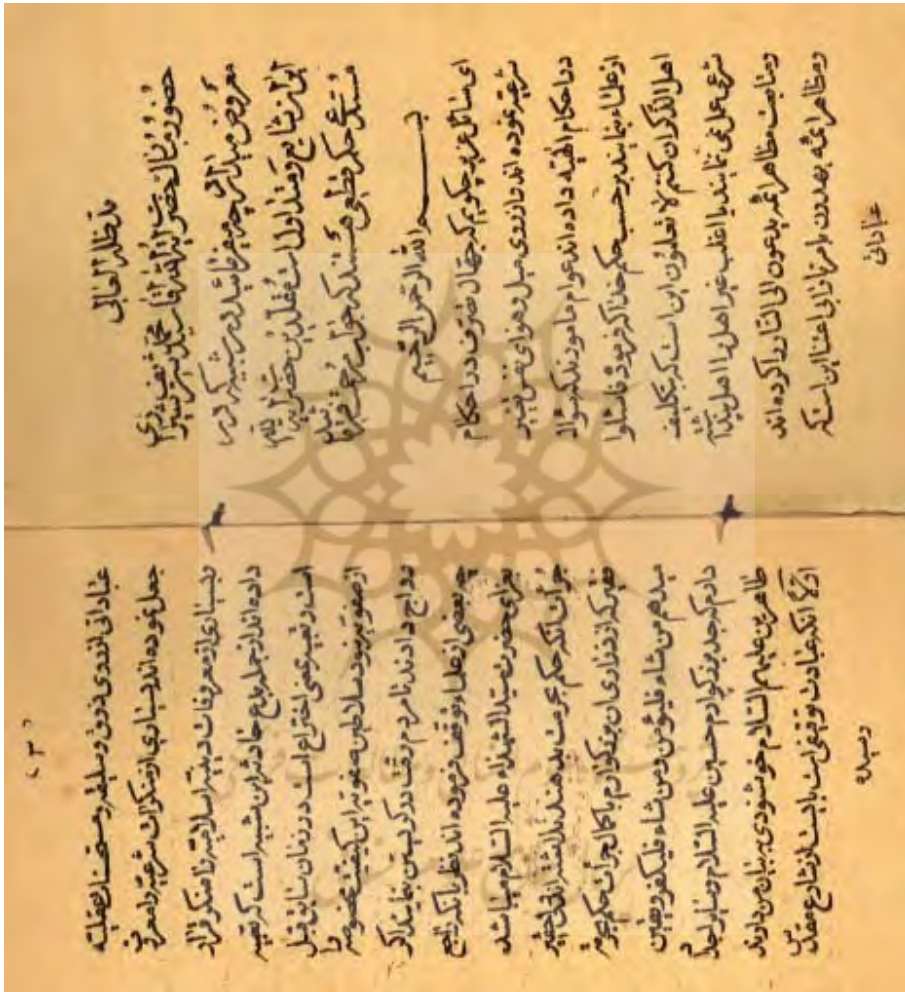
ای سائل عزیز چگونگی احکام حضرت دو احکام  
شرعی موجوده اند و از روی میل و خواهی نفسی  
دو احکام الهیه داده اند و عام ما و روزند که سوال  
از علما می نمایند بر حسب حکم خدا که فرموده است  
اهل الذکران کتم لا یعلمون این است که تکلیف  
شرعی علی غنی تا بند یا اغلب غیر اصل یا اهل بیت  
و صاحب مظاهر عمده بدعون الی التاثر کرده اند  
و مظاهر عمده بعد از این امر تا با اعتنا این است که

عبارت

عبارت آنند و در وقت صلوات و حضرت ائمه  
جمله نموده اند و اینها در وقت شکر و شکر  
و بسیار از معرفت و بهر اسباب و شکر زیاد  
داده اند از جمله بیع خاد و این بسیار است که  
اصل و غیرت یعنی اختراع است در زمان سابق مثل  
از صورت پرورد سالان صغیر این یکیش مخصوص  
و حاج دادند نام مردم وقت ذکر این بنامند که  
بعضی از علما و وقت فرموده اند نظر آنکه در بیع  
بزرگ حضور سیدالشهداء علیه السلام میباشد  
چون آنکه حکم بحرمت بدهند تا شکر از آن  
ظهور کند و در این وقت که آنکه حکم بحرمت  
میدم من شاه فلیوم من و من شاه فلیوم و همین  
دارد که جد بزرگوارم حسین علیه السلام بسیار است  
ظاهرین عالم اسلام خوشنودی بیان من دانند  
آنکه آنکه جاهد و قوی است با است از شاعر و عقدا

و بسیار





۶۳  
 عباداتی اندوی بدین وسلیله و مستحقان اخصیته  
 جعل نموده اند و بنا بر این توکل است که شریعت را معجز  
 دنیا ای از همه عرفات و بهر اسبابی برزنا منکر قرار  
 داده اند تا در جمیع احوال خود را از مشبهه است که تغییر  
 احدی و تعب یعنی اختراع است در زمان سابقین قبل  
 از صفویه نبوده و سالاطین معجزه بر این کیفیت مخصوص  
 در ارج دادند تا مردم رقیب در کوهستان بنامند که  
 چه بعضی از علما و فقیه فرموده اند نظیر آنکه در بیخ  
 بوزای حضور سیدالشهداء علیه السلام میباشند  
 جوان آنکه حکم بحرمت میدهند تا نشسته از آن چشم  
 ظهور که از دوری آن بوی کفارم با کمال عزت حکم بحرمت  
 سیدم من شاه فیثون و من شاه فلیکفر و عین  
 داد که در کعبه بود که در حرم علیه السلام و سایر احوال  
 ظاهرین علیهم السلام خوشنودی بیان در این  
 آنکه آنکه شهادت و توفیق است با این توکل و شایع معجزه  
 و سیدیه

ما ظلال احوالی  
 حضور زمان مختصر از آنکه تا سیدالشهداء(ع) بر  
 معروض میباشند چه فرقی نماند که شبیه که در  
 این زمان معجزه اولی است غلبه بر مختصر این  
 مستحق حکم ظهور کنند که مختصراً مختصراً  
 بحمد الله الرحمن الرحیم  
 ای سائلی عزیز بگویم که جمیع تفاوت در احکام  
 شریعت نموده اند تا از روی جمل و هر ای نفس خیر  
 در احکام الهیه داده اند و عام مامورند که در سوال  
 از علما و بنایند بر حسب حکم خدا که فرموده باشند و  
 اهل الذکر آن کتب را نعلون این است که تکلیف  
 شرعی عمل نمی نمایند یا اغلب غیر اهل اهل بیت  
 و شایعست مظاهر عمر بدعون الی الشارک کرده اند  
 و مظاهر عمر بعد از آن زمان از این اعنا این است که  
 عبادانی



۴۰

رسیده باشد این کیفیت خاص از شرع نرسیده و  
 اختراع آن اندکان صغیره بعد جاری شده و  
 غیره را که جزو مستقامات قرار داده اند باید از  
 این شرع نسبت به او باشد لیلی بجز از این کیفیت  
 و اگر بگوئی سهو جاری شده است که هم این سهو  
 است در دنیا یا پیش از آن و در دنیا سهو و عیب  
 بان نیست و اگر بگوئی داخلین بکنی اما بکنی است  
 میگویم عموم لفظ من درمن بکنی سلم ولی در  
 این عموم نماند چون یکی فعل است غیر از  
 است عموم در فعل نماند تا طلاق در این است  
 با فردی است در دنیا صد و در خطاب است  
 در دنیا خطاب پیغمبر و شیوع با کجاست که  
 استعمال است با کجاست که در وجود با هر دو از  
 سلی است که هیچ کدام در دنیا خطاب پیغمبر  
 و آنچه موجود بود و نو حکری بود که نوع پیغمبر  
 کسی

۴۱

کسی را از دنیا پیغمبر است در مجلس مراد از  
 اوصاف است که در هر کجا که بگویند که هر کجا  
 در مجلس نماز و اوصاف او را ذکر میگویند  
 که میگویند که اگر آن حدیث ضعیف است  
 یا اخبار این شهر است و در حدیث است که از شرع  
 باشد تا آنجا که از شرع نرسیده و اگر بگوئی آنجا  
 ضایع داده است است میگویم در صورتی است  
 که حدیثی در تعبیر و ادب شده باشد تا آنجا که  
 ضایع داده است است میگویم در صورتی که  
 چگونه متعلق می شود تا آنجا که مراد از  
 نظر از آنکه از شرع نرسیده و تو که عامی است  
 عا لوسعای سخیب نماز داده و بدعتی است  
 نموده چه اش محرمه خارجه که از آنجا است  
 هر زمان بان ضم نموده یکی آنکه مراد بصورت  
 در این دو سلی است تا آنجا که مراد حرام است  
 دیگر



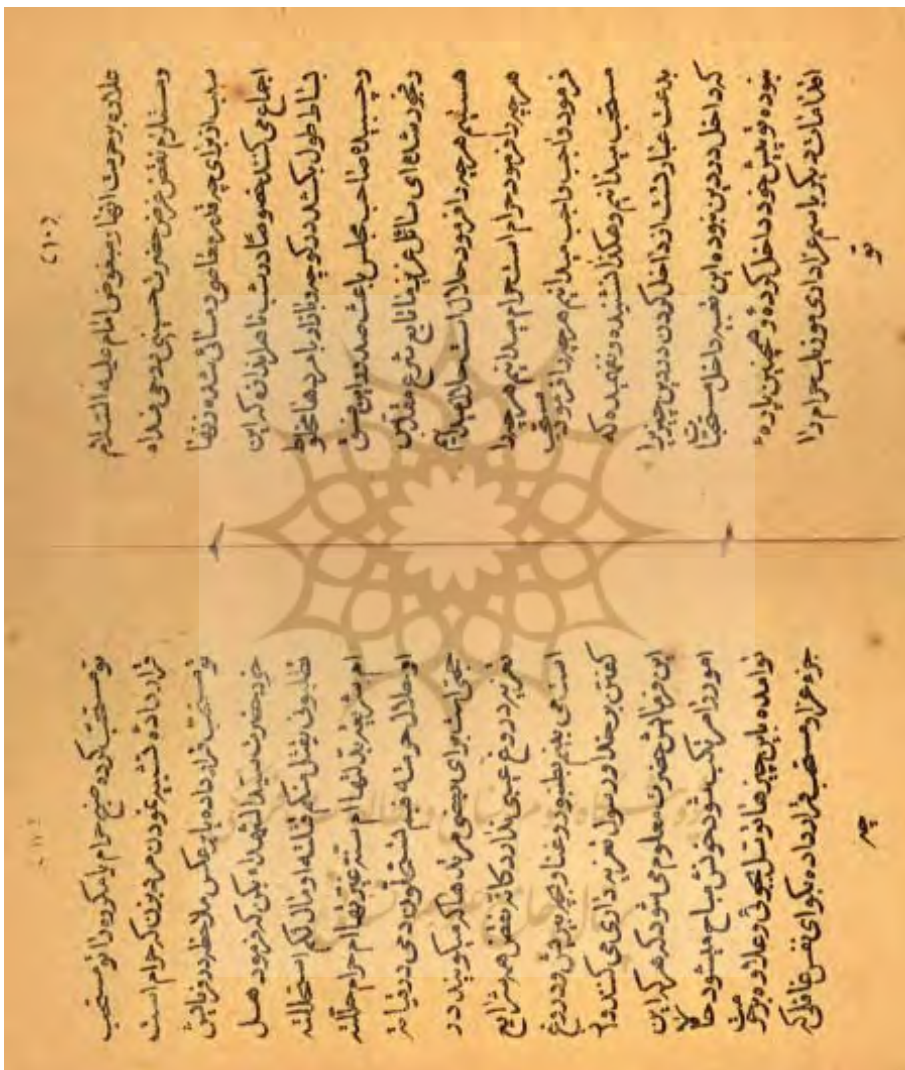


(۸)

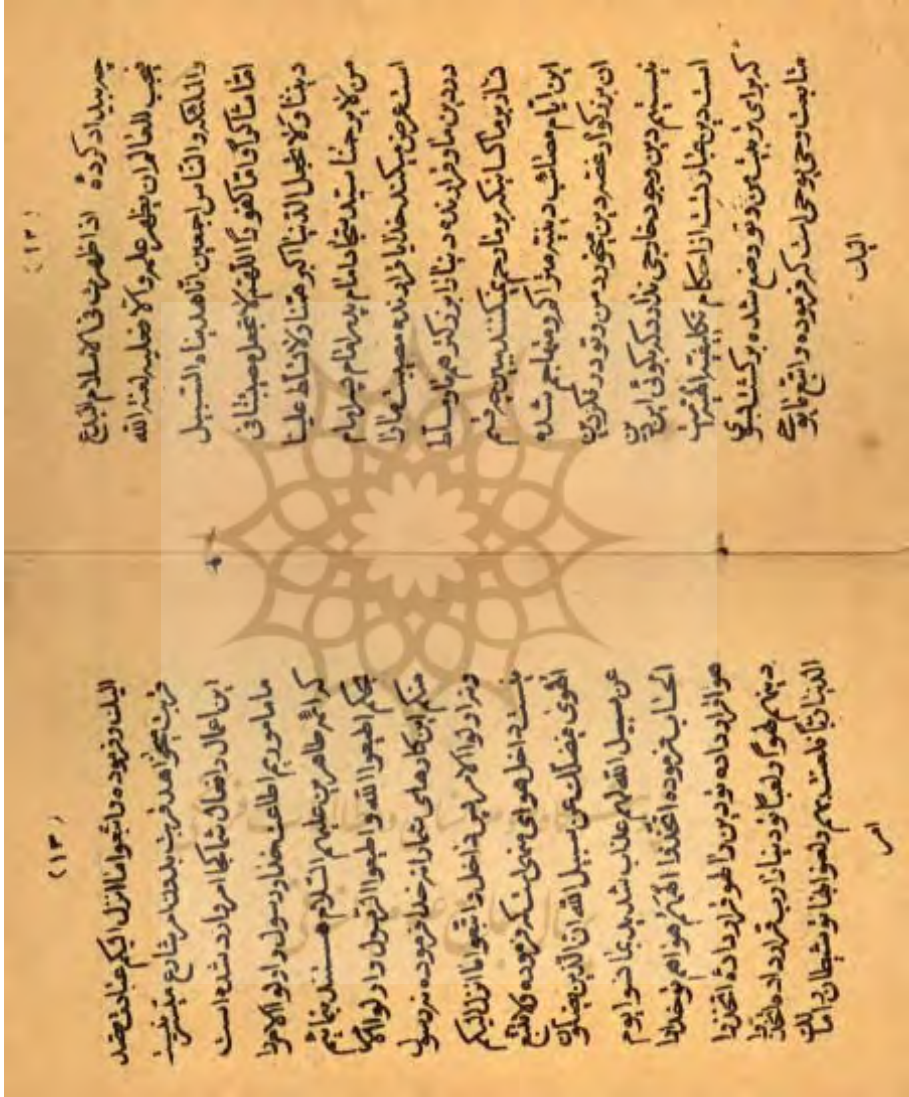
پیاره با آن سر در جبهه دارد پیش قدمی با آن پان  
است که فرموده هوان پس بر عین التشراب است  
که اگر کفایه بدیش باید دید چه حال کار کمال التبع  
سهم انما المؤمنون اذین انا ذکرا لله وجلت الخوف  
اسم خدا تا که بشود دلش بر مساله شود بدین  
لوزان شکش و بزبان نمود ای پیچاره زمین شیار  
تکرده غم نینکنده اب نداد و مکتوبی نوشت ای  
شوم تا آنکه با بجزد کرد و بگیم بعد از تحصیل  
عقدت ان نوشتل میشود که از اغانی محفوظی بنما  
ای پیچاره بعضی برای در حاجت با است بوبر خود  
جلو گیری از تکرات طادره از عوام نموند  
منازهت با ذهنی عوام شد که هر هنگری را که پیجا  
بیاورد عیبی نداد و بجمال واهی خود شاکه  
مستحب و خیره عزت است اهل بیست محسوب  
شوند مثل آنکه در مصونیتها ای پیچاره بر صند  
میشوند

علاوه

میشوند و سپهر برزند یا آنکه پیش و سینه  
خود را بر صند و حضور در نهایی تا محرم زنجیر  
ای پیچاره ظامی همین قسم که در حضور مرد نا  
محرم حرام است باز نمودن حضور از اعضا خود  
همین قسم محرم است که مرد و حضور زن با محرم  
مکتوب کند حضور از اعضا خود تا مکروه است  
و در دست نامفصلان هم چه در صرح و صرح است  
شده در صرح و اب و اب فل المؤمنین بقصوا  
من ابصارهم و فل المؤمنات یتضعفن من ابصار  
صحا ای پیچاره چرا احکام خدا تا بضعفتن اعلیه  
و خالاک و اصبه تغییر بر سلهای زنجیر می کنند  
که مرد و خدا در حضور زن تا محرم سر بر او بر صند بنما  
این اجنه با در مقابل عرض که تو من بعضی در  
تکفر بعضی از چه دایمی نموده ای پیچاره نوکر تو  
حرام را در صحن حرام با مکر و راه جزو از او داده  
علاوه







(۱۳)

چهره پیدا کرده اذ اظهرت فی الاسلام البیض  
 فحجب للعالوان بظلمه و الا ضلیه لبعده الله  
 و الما لک و الناس جمعین انا هدی بیا و السبیل  
 انا انا کوا کوا کوا کوا الفهم لا یجمل صبیانی  
 دیننا و لا یجمل الذنبا کبره و منا و لا ناط علینا  
 من لا یرحنا سید یحنا ما نام بدر نام یرام  
 است عرض میکند خدایا فریاد من مصیبت ما را  
 در دین ما فریاد من دینا با بزرگترم تا واسط  
 شاه یوما گانیک بر ما دم میکند بین چشم  
 این ایام مصائب دین بر ما را و مصائب شده  
 ان بزرگوار و خضر دین بخورد من و فرود و کرم  
 بنسبم دین وجود حاجی نداد که بگوئی این  
 است در بنابر ذلت از احکام تکلیفیه الهیه  
 که برای زمین و تو وضع شده بر کتب الهیه  
 مناسبت و حی بوحی است که فرموده و اتع با حق

الهاب

(۱۴)

الیک و فرموده و اتعوا انزل الیک عذاب صد  
 ضرب محضرا هدی فریب بدین امر شایع مبین  
 این اعمال و افعال شایکا امر وارد شده است  
 ما ما سوسیم اطاع خدای رسول و اولو الامر  
 که اگر ظاهر برین علمم السلام مستند بنام  
 حکم الهی و الله و اطعوا الرسول و اولو الامر  
 حکم این کارهای شما را از خدا فرموده بر من  
 و فرود اولو الامر پس داخل و اتعوا انزل الیک  
 بنسبت داخل هو ای نهی که فرموده که لا یطع  
 الهوی فضاک عن سبیل الله ان الذین ضلوا  
 عن سبیل الله لم عذاب شد بدینا شوایوم  
 الحجاب فرموده اتعدوا لهم صوام فوضلا  
 صوا فرموده بود من و اطعوا اولو الامر  
 در هم ظهور و لغیا بود بنا از رب فرموده و ما ضل  
 الذین انما غلبت هم و اطعوا اولو امشاط الیک

امر



۱۴

مرحوم فرزند و زاده اتقند الشیخان مالک امر صم  
 کجا زان عهد است در کتاب سنت محمد زیند دگر  
 حضرت سید الشهدا که امام نامی چنین است و  
 داده ای هوای پرست بجز پیش که ز هر چه لای  
 ضلالتی آید این ای بخاره جز طر بر نواز و عز زان  
 از شرح و سیاه اندست داده و نوره و اینخوا الیه  
 الوسیله و سائل مثل حبیب زینب ددینت سید است  
 این بدین معنی که فوج صل نموده داخل کلام طهارت  
 است هم خوردن چه بخورد چه نبرد در سر حرام است  
 کجا امام حسین علی السلام با ضلالت با این مثال  
 حرام جز الفزع نموده با بهر نرم که خطاب عذاب  
 شده با در دیاره شایسته لا یتخفف عنهم العذاب  
 میترسم بواسطه این بیخواب و لغو است خطاب بود  
 فذوقنا ظمیر زیند که آن خدا گوی علی ما ای حج سید  
 ای لایب الله مکره این یا ناز اوضوب می بیند چو

مهری

۱۵

مهری در و شاد و نوا علی البر و تقوی می کند چو  
 ملا خطه و لا تغا و نوا علی لا یزوال عددان و لک  
 کتب چو املا خطه و ان استصر و کوفی الذین  
 ضلکم النور و ان یتکبد و هم کما یتخطرون کید  
 جزای عزیزین بجان بدید و عوام با جاوی کید  
 در عالمی و شاهن و ملایک کید بدین اسلام  
 غریب است لا یوم کوم و نوا علی اسلام القریب -  
 الاحقر محمد شریف التقوی الموسوی  
 الشیرازی  
 کتب الصید الحافی بن اسمعيل الاصفهانی  
 فی شرح حرم الحرام سنه ۱۳۳۲  
 الاقصی اصفهانی  
 ههنا  
 اصفهان مطبعه هنک طبع شد